

چرا جریان اپوزیسیون در مقابل توهین به مقدسات سکوت کرده است؟

فاشیسم پشت در است

عقلانیت، با آنها مرز بندی نکرد. آخر سر لاقل در یک مورد توهین علنی هم کردند. برهنه شدند و زیر برف امام حسین عکس گرفتند اما باز هم از آن جماعت صدایی در محکومیت شان بلند نشد. آنها احتمالا به حمایت دولت های غربی دلگرم هستند که چنین اقداماتی انجام می دهند اما باز کردن چنین حساب ویژه ای، درحقیقت مثل نقش بستن بر آب است. جوشش غیرت در کشورهای اسلامی که خصوصا با واکنش به سوزاندن قرآن غرید، بعضی از دولت های اسلامی را به سمت اقدامات عملی در این خصوص سوق داد. به طور خاص می شود به عراق و ایران اشاره کرد. هر چند این واکنش ها بیشتر در ایران و عراق بود، اما ممکن است سوئد را در آینده به یک هدف مناسب برای گوشمالی شدن توسط کشورهای مسلمان تبدیل کند. پس از آن، از این همه حساسی که فاشیست های ضد دین ایرانی روی حمایت دولت های غربی از خودشان باز کرده اند، اثری نخواهد ماند و اینها هم که از اول چیزی برای از دست دادن نداشتند، به منازل شان برمی گردند یا احتمالا روانه آسایشگاه های روانی خواهند شد. فقط چیزی که از این قضیه در خاطره ها ثبت خواهد شد، عدم موضع گیری شفاف منتقدان، مخالفان یا حتی دشمنان مدعی عقلانیت جمهوری اسلامی است که با سکوت معنادارشان هر مانعی را از سر راه ورود فاشیسم به ساحات فرهنگی و اجتماعی کشور برداشتند. در ادامه مروری کرده ایم بر آنچه از ابتدا اتفاق افتاد و پیوندی که این موضوع، یعنی هتک حرمت به کلام الله مجید، با مسائل کلان راهبردی در سطح بین الملل دارد.



میلاد جلیلزاده خبرنگار گروه فرهنگ

فاشیسم پشت در است. هر چه در سال های اخیر جلوتر آمدیم، این هشدار بیشتر جدی شده. در اتفاقات پس از مرگ خانم مهسا امینی که سال ۱۴۰۱ رخ داد هم می شد این هشدار را بیشتر از هر زمان دیگری جدی گرفت. شعله خشم از یک مطالبه لیبرال مبنی بر آزادی های فردی و سبک زندگی اختیاری روشن شد اما به فاشیستی ترین ساحت خود رسید. دیگر نمی گفتند بگذارید ما مقداری در انتخاب سبک زندگی مان از جمله پوشش، آزاد باشیم. علامی گفتند باید این مسلمانان را از صحنه روزگار محو کرد. باید همه را یک کنیم. باید توهین کنیم و بسوزانیم. اینها اکثریت معترضان را تشکیل نمی دادند اما به وضوح سوار موج شده بودند. مشکل ما از جایی برمی خاست که معترضان سر لج افتاده، حاضر نبودند به شکلی واضح با چنین خشونت توهین آمیزی مرز بندی کنند. در عید قربان امسال، مطابق مجوز رسمی دولت سوئد به کلام آسمانی قرآن توهین شد و یک پناهنده عراقی در این کشور، مصحف شریف را آتش زد. حالا زمان مرز بندی بود اما از اپوزیسیون، چه منتقدان، چه معترضان و چه حتی دشمنانی که ادعای عقلانیت دارند صدایی بر نیامد. پس از آن عده ای از دیوانه ترین فاشیست ها در اپوزیسیون ایرانی، اعلام کردند که قصد دارند حرمت محرم را بشکنند. باز هم کسی از آن خیل منتقدان و معترضان و دشمنان مدعی



چراغ سبز سوئدی

جهت توهین به مقدسات اسلام بود. سوئد و فنلاند پس از جنگ اوکراین می خواستند به ناتو ملحق شوند اما تمام اعضای پیشین در این نوع موارد، حق وتو دارند. به عبارتی آنها بدون رضایت ترکیه نمی توانستند وارد پیمان نظامی و امنیتی آتلانتیک شمالی شوند، پس برای سوئدی ها جلب رضایت ترکیه لازم بود. از آن سو مهم ترین نیروی میدانی غرب در مواجهه با قدرت روسیه در جنگ اخیر، راست های افراطی و کسانی هستند که مسامحتا به آنها فاشیست می گوئیم. حالا دولت سوئد باید یکی را انتخاب می کرد؛ یا رضایت ترکیه یا رضایت فاشیست های اسلام ستیز؛ همان ها که تمایلات دیگرسنیز و افراطی شان ریشه در چیزهایی مثل جنگ های صلیبی و ماجرای آندلس و امثال آن داشت. حداقل باید به راست هایی که ذاتا مخالف هر پیمان جهانی هستند، این اطمینان داده می شد که تمایل دولت سوئد برای پیوستن به ناتو، مانعی سر راه اسلام ستیزی آنها ایجاد نمی کند. این دوراهی انتخاب، چندان برای دولت سوئد دشوار و پیچیده نبود؛ چرا که آنها می دانستند دولت ترکیه به رغم رُست اسلامی اش حاضر نیست بابت صیانت از حرمت قرآن و مسلمانی هزینه کند و امتیازهایی که از بلوک غرب و کشور سوئد برای عدم مخالفتش در پیوستن سوئد به ناتو طلب می کرد، هر چیزی بود جز حفظ حرمت شعائر اسلامی. دولت سوئد با فهم همین نکته توانست از آن دوراهی پارادوکسیکال بیرون بیاید. هم به راست افراطی اجازه میدان داری داده و هم رضایت ترکیه جلب شد. ترکیه در

قرآن سوزی در اروپا و به طور کلی جهان غرب رفتاری جدیدی نیست. همه کم و بیش از وجود دوران پر ماجرای جنگ های صلیبی اطلاع دارند و احتمالا می دانند که پس از اشغال آندلس به دست مسیحیان، چه قرآن سوزی گسترده ای به دستور بزرگان کلیسا صورت گرفت. در سال های اخیر هم بارها چنین اتفاقی افتاده است؛ چه در اروپا و چه آمریکا. اخیرا چنین اتفاقی در سوئد بسامد بالاتری پیدا کرده است. سوم بهمن ۱۴۰۱ بود که عده ای از سوئدی ها در مخالفت با پیوستن این کشور به ناتو تظاهرات کردند، یعنی درحقیقت سه جمعیت متفاوت از تظاهرات کنندگان در آن روز به هم پیوسته بودند. گروهی علیه ترکیه اعتراض می کردند، گروهی در حمایت از کردها و گروه سوم علیه پیوستن سوئد به ناتو. هر سه این مطالبات به نوعی هم جهت و هم راستا بود. در همین تظاهرات، راموس اولدان، رهبر حزب راست افراطی دانمارک قرآن را آتش زد. او که تابعیت سوئدی دارد، پیش از این هم چنین کاری را بارها انجام داده بود. این بار اما با تمام موارد قبل یک تفاوت داشت؛ چرا که رویترز گزارش کرده بود در مجوز او برای تظاهرات اشاره شده که این تجمع علیه اسلام و تلاش رجب طیب اردوغان برای تاثیر گذاری بر آزادی بیان در سوئد است. اگر چه در این حکم اشاره مستقیمی به قرآن سوزی نشده بود اما می توان چنین رفتاری را ذیل مفهوم کلی تظاهرات علیه اسلام فهمید و برای آن توجیه قانونی تراشید. به عبارتی این اولین گام دولت سوئد در اعطای مجوز رسمی به گروه های فاشیست

واقعه از کجا شروع شد؟

هفتم تیر ماه ۱۴۰۲ بود که سلوان مومیکا، شهروند ۳۷ ساله آشنوری پناهنده در سوئد، با مجوز رسمی پلیس سوئد در میدان مدبور جار پلاتسن در مرکز شهر استکهلم و مقابل مسجد اصلی مسلمانان این شهر اقدام به ورق ورق کردن قرآن و سوزاندن آن کرد. این در حالی است که پلیس سوئد قبل از این با درخواست برگزاری تجمع اعتراضی و آتش زدن قرآن مخالفت می کرد اما دو هفته قبل، دادگاه، حکم پلیس را لغو کرد و گفت قرآن سوزی در راستای آزادی ابراز نظر است که قانون اساسی سوئد آن را تضمین کرده است. مومیکا که قبل از این هم درباره اقدامش به خبرگزاری سوئد (تی تی نیوز) گفته بود می خواهد با این کار توجهات را به اهمیت آزادی بیان جلب کند، وقتی کتاب آسمانی مسلمانان را آتش می زد، همزمان با بلندگو خطاب به حضار صحبت می کرد و رکیک ترین و تحریک آمیز ترین جملات را ناشر جماعت خشمگین حاضر در محل کرد. حدود ۲۰۰ نفر حین این اتفاق در محل حضور داشتند و همزمان در اعتراض به این اقدام، شعار الله اکبر سر دادند. پلیس هم یک نفر را به دلیل پرتاب سنگ به سمت عامل آتش زدن قرآن بازداشت کرد. زیاد نگذشت که اظهار نظر ها در این باره شروع شد و معلوم کرد که قضیه چقدر سیاسی است و اتفاقا چقدر با پیوستن سوئد به ناتو مرتبط است. اوفل کریستوسون، نخست وزیر سوئد، در نشست خبری روز چهارشنبه این حادثه را قانونی اما نامناسب دانست. او البته این را هم اضافه کرد که تصمیم گیری درباره تظاهرات و اعتراضات همراه با آتش

زدن قرآن به پلیس مربوط می شود. نکته ظریف ماجرا جایی است که کریستوسون گفت نمی داند این حادثه به چه میزان بر پیوستن کشورش به ناتو تاثیر خواهد داشت. همان روز پلیس سوئد که نخست وزیر این کشور تمام مسئولیت ماجرا را متوجه آنها کرد تا دستگاه دیپلماسی اش را تطهیر کند، در این خصوص اعلام موضع کرد و گفت: «با وجود اینکه این اتفاق برای سیاست خارجی کشور، عواقب خواهد داشت اما خطرات و تبعات امنیتی آتش زدن قرآن در حدی نیست که تقاضای مجوز برای آن را رد کنیم.» واضح تر از این نمی شد اعلام موضع کرد و دلیل چنین رفتار های موهنی را توضیح داد. پلیس سوئد به صراحت می گوید مسلمانان کار خاصی در این خصوص انجام نمی دهند. چندی نگذشت که وزارت خارجه آمریکا هم قرآن سوزی را نکوهش کرد و همزمان تاکید کرد از پیوستن سوئد به ناتو حمایت می کند. همان روز ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در واکنش به این اتفاق اعلام کرد که بی احترامی به قرآن در روسیه جرم است و ویاجسلا ولودین، رئیس دوما ی دولتی روسیه روز چهارشنبه پیشنهاد داد تا قطعنامه ای در محکومیت اقدامات مقامات سوئدی در اجازه دادن به سوزاندن قرآن کریم در این کشور صادر شود. فردای آن روز پوتین پس از اینکه قرآنی در جریان بازدید از مسجدی در داغستان به او هدیه شد، قرآن را در آغوش گرفت و گفت: «روسیه برای قرآن و احساسات مذهبی مسلمانان احترام زیادی قائل است و بی احترامی به این کتاب مقدس در روسیه جرم است.»

اقدامات دیپلماتیک دولت های اسلامی

وزارت امور خارجه اردن در بیانیه ای اعلام کرد: «سوزاندن قرآن کریم یک عمل خطرناک و نفرت برانگیز و مظهر اسلام هراسی است که به خشونت و توهین به ادیان دامن می زند و اصلا نمی توان آن را نوعی آزادی بیان دانست.» در مواکش نیز وزارت امور خارجه این کشور، کاردار سوئد در رباط را فراخواند. در بیانیه وزارت امور خارجه مراکش آمده است: «در این احضار، محکومیت شدید چنین اقدام متجاوز گرایانه ای به این دیپلماتیک سوئدی گوشزد و مخالفت با چنین اقدام غیر قابل قبولی عنوان شد.» شورای همکاری خلیج فارس نیز در بیانیه ای اعلام کرد: «نظیر چنین رفتارهایی نشان ندهند کینه، انزجار و افراط گرایی است.» این شورا به لزوم تحرک مقامات سوئد برای توقف فوری چنین اقداماتی دعوت کرد. پارلمان عربی هم در بیانیه ای با اشاره به اینکه «آنچه رخ داد، یک اقدام تحریک آمیز است که احساسات مسلمانان در سراسر جهان را جریحه دار می کند» و تاووم چنین اقدامات تحریک آمیزی توسط مقامات سوئد را محکوم کرد. وزارت خارجه عربستان سعودی هم در بیانیه ای اعلام کرد: «این اقدامات خصمانه و تکراری را نمی توان تحت هیچ توجیهی پذیرفت. اینها اقداماتی است که به وضوح به انزجار، انزوا و نژاد پرستی ترغیب می کند.» وزارت خارجه کویت هم در بیانیه ای اعلام کرد که اتفاقات رخ داده «اقدامی خطرناک است که احساسات مسلمانان سراسر جهان را جریحه دار می کند.» این وزارتخانه از جامعه بین المللی

دولت سوئد خواست «برای جلوگیری از اقداماتی نظیر انزجار و تاسف فوراً وارد عمل شوند و چنین اقدامات موهنی را متوقف کنند.» به علاوه، تشکیلات خودگردان فلسطین، جنبش حماس و جهاد اسلامی نیز این اقدام موهن را به شدت محکوم کردند. داوود شهاب، سخنگوی جهاد اسلامی در واکنش به چنین اقدامی هشدار داد: «چنین اقداماتی علیه قرآن کریم و مساجد باعث ایجاد جنگ دینی می شود.» سامی ابوزهری از رهبران حماس هم اعلام کرد که قرآن سوزی موجب تحریک احساسات مسلمانان در دنیا و به مثابه تعدی به اعتقادات آنهاست و این قبیل اقدامات باید متوقف شود.»

چه موقع سوئد متوجه خطای خود شد؟

اقدام اصلی و عملی اما باید از جانب مسلمانان صورت می گرفت. همان روز ها کان فیدان در ادامه سوزاندن کتاب مقدس مسلمانان جهان در استکهلم را محکوم کرد و آن را اقدامی شنیع توصیف کرد که مشخص است این کافی نبود. این بار نوبت جهان تشیع بود که شدیدترین واکنش ها را نشان دهد؛ اما ابتدا از جانب مردم و افکار عمومی. قضیه را به نوعی می شود فشار از پایین به مقامات بالای دولتی و دستگاه دیپلماسی کشورهای مسلمان برای اقدام عملی علیه سوئد دانست. به عبارتی یک موج فرهنگی و اجتماعی از پایین به راه افتاد که با مماشات دیپلماتیک در بالا هم جهت نبود. عراق اولین جایی بود که صحنه اعتراض و غوغا شد.

مسلمانان عراقی که هتک حرمت به قرآن توسط یک هموطن شان صورت گرفته بود، به سفارت سوئد در بغداد حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. چون اقدام به قرآن سوزی این بار با مجوز رسمی پلیس سوئد صورت گرفته بود و در روز عید قربان هم انجام شد خبر آن بیشتر از موارد قبلی در همه جا پیچید و واکنش هایی را برانگیخت؛ اما بدون غوغایی که عراقی ها به راه انداختند، قضیه می توانست در همان سطح واکنش های رسانه ای

یسا جملات بی اثر دیپلماتیک در محکومیت این اقدام باقی بماند. چیزی که پلیس سوئد از آن به عنوان بی تاثیر بودن عواقب قرآن سوزی در سیاست خارجی این کشور یاد کرد، ممکن بود اتفاق بیفتد، اما عراقی ها غوغا کردند و تلاش کردند نگذارند که چنین شود. اقدام سوئد کاملا سیاسی و کاملا ایدئولوژیک بود و واکنشی هم که دریافت می کرد باید چنین می بود اما اگر چه دولت مردان بسیاری از کشورهای مسلمان می خواستند تاحدممکن قضیه را طبق عقل سرد دیپلماتیک جلو ببرند، مردم و چهره های مهم فرهنگی و اجتماعی و مذهبی به میدان آمدند تا مسیر را تغییر بدهند. مقدسات یهودیان و مسیحیان تا حدود زیادی برای مسلمانان هم جزء موارد قابل احترام هستند و نمی شد در واکنش به قرآن سوزی، تورات و انجیل را آتش زد. از همان روز قرآن سوزی در سوئد، درخواست های متعدد بعدی برای سوزاندن قرآن و البته تورات و انجیل صادر شد اما احمد علوش که مجوز آتش زدن تورات و انجیل را دریافت کرده بود، روز ۲۴ تیرماه ۱۴۰۲ جلوی سفارت رژیم صهیونیستی در استکهلم، فندکی را از کیف نخعی خود بیرون کشید و به زمین انداخت و گفت که هرگز قصد آتش زدن کتب مقدس را نداشته